

اثر بخشی انرژی بر اقتصاد حال و آینده کشور

تهدید محصول داخلی

مصاحبه اختصاصی ماهنامه «اقتصاد ایران» با آقای غلامحسین حسن تاش، مدیر مسوول ماهنامه اقتصاد انرژی

اقتصاد ایران: مهمترین چالش های بخش انرژی کشور را در چه مواردی می بینید و وضعیت تولید و مصرف انرژی در سال ۸۸ را چگونه ارزیابی می کنید؟

فکر می کنم در سال ۸۸ از نظر افزایش ظرفیت های

تولید انرژی، در مجموع دچار نوعی توقف بوده ایم. اغلب پروژه های بزرگ مربوط به افزایش ظرفیت تولید انرژی چه در بخش نفت و چه در بخش نیرو پیشرفت قابل توجهی نداشته اند. در مقابل، پروژه های مربوط به مصرف یعنی پروژه های انرژی رسانی مثل انتقال گاز به روستاها که از پیچیدگی های فنی کمتری برخوردارند و وابستگی کمتری هم به خارج دارند و در

نتیجه، لطمه کمتری از تحریم می بینند، پیشرفت بهتری داشته اند. طبعاً این مسأله موجب می شود تا تعادل بین تولید و مصرف داخلی انرژی بیشتر به هم بخورد و توان صادراتی کشور برای بعضی حامل های انرژی کاهش یابد و یا در مورد بعضی دیگر از حامل ها نیاز به واردات افزایش یابد. مهمترین چالش بخش انرژی در سال ۸۸ تأمین سرمایه برای پروژه های توسعه ای بوده است و بعضی محدودیت ها در واردات تجهیزات مورد نیاز و همچنین تغییرات مدیریتی در درجه بعدی قرار داشته اند.

اقتصاد ایران: افزایش قیمت حامل های انرژی در فضای کنونی چه شرایطی را در بخش انرژی کشور ایجاد می کند و در این بین اجرای قانون هدفمندسازی یارانه ها چه رویکردهایی را به دنبال خواهد داشت؟

به نظر من در شرایط حال حاضر کشور، کسش جایگزینی میان انرژی و سایر عوامل، صفر یا نزدیک به صفر است. معنای آن این است که در این شرایط افزایش قیمت حامل های انرژی تأثیر قابل توجهی بر کنترل مصرف نخواهد داشت. مطالعات نشان می دهند که در چنین شرایطی افزایش قیمت حامل های انرژی، محصول ناخالص ملی را کاهش داده و همزمان سطح عمومی قیمت ها را افزایش می دهد. متأسفانه در حال حاضر به دلایل مختلف شاهد وضعیت رکود تورمی در اقتصاد کشور هستیم که افزایش حامل های انرژی هم رکود و هم تورم

را تشدید خواهد کرد و هر دوی اینها به معنای کاهش رفاه است.

نکته قابل توجه دیگر این است که اگر به ترکیب بودجه دولت دقت کنیم، کل بودجه دولت و توابع آن حدود

۳۶۰ هزار میلیارد تومان و حجم درآمد دولت از محل یارانه ها (به شرط تصویب مجلس) حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان پیش بینی شده است. در یک محاسبه سرانگشتی مشخص می شود که حجم یارانه ها حدود ۱۱ درصد حجم کل بودجه است. این بدان معنا است که حتی یک تورم حدود ۱۱ درصدی اضافه ناشی از حذف یارانه ها، می تواند هزینه های دولت را به حدی بالا ببرد که عملاً

چیزی عاید دولت نشود و دولت قادر به حمایت از بعضی اقشار هم نباشد، در صورتی که اغلب برآوردها، تورم را بیش از این پیش بینی می کنند.

اقتصاد ایران: نظر شما در خصوص قیمت پیش بینی شده نفت در بودجه ۸۹ چیست و تا چه اندازه می توان به چنین پیش بینی هایی اتکا کرد؟

به نظر من این اقدام غیرمحافظه کارانه است. وضعیت بازار جهانی نفت وضعیت روشن و قابل اعتمادی نیست. بحران اقتصادی جهان هنوز کاملاً مرتفع نشده است و تردیدهای جدی در مورد آن وجود دارد. رقم هایی که دیگر کشورهای نفتی بودجه سال ۲۰۱۰ خود را براساس آن بسته اند، پایین تر از این رقم در کشور ما است. با توجه به موارد مذکور، عدم تحقق درآمدها در کشور می تواند مشکل آفرین باشد، خصوصاً آن که با توجه به وضعیت رکودی در اقتصاد کشور، احتمال تحقق درآمدهای مالیاتی دولت بسیار اندک است. نکته دیگر این است که با حذف یارانه ها عملاً بخش قابل توجهی از بودجه دولت به فروش داخلی حامل های انرژی وابستگی پیدا می کند و مجموعه اینها به معنای وابستگی هرچه بیشتر اقتصاد به نفت است.

اقتصاد ایران: با توجه به موضوعات مطرح شده، پیش بینی شما از وضعیت اقتصاد کشور در سال ۸۹ چیست؟

البته وضعیت سال ۸۹ بستگی به مصوبه نهایی بودجه که از سوی مجلس تعیین می شود دارد. اما از آنجا که دولت نشان داده که پایبندی چندانی به چارچوب های بودجه و مصوبات مجلس ندارد، همان طور که عرض کردم تشدید شرایط رکود تورمی بسیار محتمل به نظر می رسد.

اقتصاد ایران: متشکریم. ■

مشکلات ارزی

عرض حال ارز

مسأله تعیین نرخ ارز یکی از مهمترین مشکلات صنعت و تولید در کشور ما بوده و هست. متأسفانه علیرغم بحث های فراوانی که در این رابطه صورت گرفته، مشکل مذکور همچنان به قوت خود باقی است، به طوری که در سال های گذشته، با وجود افزایش قیمت واقعی ارز، شاهد افزایش اسمی آن در بازار داخلی نبوده ایم.

این مسأله در سال های اخیر سبب شده تا بسیاری از صادرکنندگان با مشکلات مالی عدیدهای مواجه شده و به دلیل نرخ ارزان ارز، به واردکننده تبدیل شوند. علاوه بر این، نوسانات مربوط به ارز و عدم چاره اندیشی برای رفع آنها مشکلات دیگری را به وجود آورده است. مثلاً در یکی دو سال اخیر، شاهد کاهش ارزش دلار در بازارهای جهانی بوده ایم، به طوری که تنها طی فوریه تا دسامبر ۲۰۰۹ ارزش دلار در مقابل یورو معادل ۱۴ درصد کاهش داشته است و از آنجا که عمده اقشار صادرکنندگان، ارز خود را بر مبنای دلار دریافت می نمایند، کاهش ارزش دلار به معنای کاهش درآمد آنها بوده است که متأسفانه در این رابطه، سیاستی اقتصادی و بجا جهت حمایت از صادرکنندگان اتخاذ نشده است.

در کنار موارد مذکور، نظام نامتقارن و نرخ های بهره نامتعارف بانکی هم معضل دیگری است که بر قدرت رقابت تولیدکنندگان داخلی تأثیری منفی داشته است. در حال حاضر، بسیاری از تولیدکنندگان داخلی کشور نیازمند منابع مالی جهت رفع مشکلات تولیدی خود هستند، اما عدم تناسب میان بهره بانکی و تسهیلات ارائه شده، بخش تولیدی و صنعت کشور را تا حد زیادی مستأصل کرده است. مطالبات معوق بانکی و ناتوانی بنگاه ها در تأدیه دیون، مؤیدی است بر این مطلب. به علاوه، هدفمندی یارانه ها هم اندک توان کنونی قسمت تولیدی کشور را از آن خواهد گرفت.